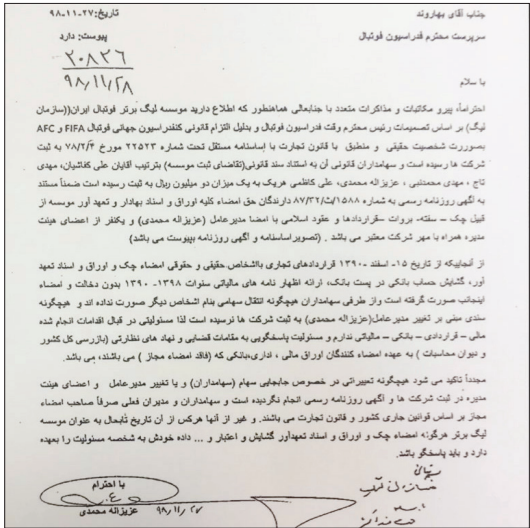


عزیز محمدی: به تخلف بانکی صورت گرفته هم رسیدگی کنید

نقل قول



عزیز محمدی، رئیس سابق سازمان لیگ بهممن ماه در نامه‌ای خطاب به حیدر بهاروند، سرپرست فدراسیون فوتبال خواست تا برای جابه‌جایی سهام سازمان لیگ از اعضای هیأت رئیسه قدیم به اعضای جدید هیأت رئیسه اقدام کند. بعد از استعفای تاج و تاپیش از بازگشت نبی به سمت دبیرکلی فدراسیون فوتبال، هیچ یک از ۵ سهامدار شرکت ثبت شده به نام سازمان لیگ در فدراسیون فوتبال و سازمان لیگ فعالیتی نداشتند اما برای تصمیم‌گیری‌های مختلف به امضای آنها نیاز بود.

به همین دلیل عزیز محمدی ضمن گوشزد درباره این موضوع در تاریخ ۲۸ بهممن ماه، در این نامه تأکید کرد که: «مدیران فعلی صرفاً صاحب امضا مجاز براساس قوانین جاری کشور و قانون تجارت می‌باشند و غیر از آنها هر کس از آن تاریخ تا به حال به عنوان مؤسسه لیگ برتر هر گونه امضای چک، اوراق و اسناد تعهدآور گشایش و اعتبار و... داده خودش به شخصه مسئولیت را به عهده دارد و باید پاسخگو باشد.»

بهانه اصلی عزیز محمدی هم برای نگارش این نامه، حساب‌های بانکی بود که به نام بهاروند برای سازمان لیگ باز می‌شد و برای بازگشایی آنها هیچ امضایی از سهامداران اصلی گرفته نمی‌شد. چیزی که عزیز محمدی معتقد است یک تخلف بانکی است و باید بانک‌های طرف حساب سازمان لیگ در این رابطه دقت بیشتری داشته باشند. رئیس سابق سازمان لیگ در این رابطه می‌گوید: «تا پیش از اینکه موضوع منع حضور باز نشستگان مطرح نشود و علی‌کفاشیان از سمت خود کنار نرود، حساب بانکی سازمان لیگ با امضای کفاشیان بود که خود یکی از سهامداران به حساب می‌آید اما از وقتی کفاشیان هم از فدراسیون فوتبال رفت، آقای بهاروند حسابی را با نام خود برای سازمان لیگ باز کرد که با توجه به اینکه سهام شرکت سازمان لیگ هنوز به اعضای جدید هیأت رئیسه انتقال پیدا نکرده، این اتفاق خیلی عجیب بود و به نوعی تخلف بانکی محسوب می‌شود و باید به آن رسیدگی شود.»

عزیز محمدی درباره اینکه سهام سازمان لیگ به نام خودش، تاج، کفاشیان، نبی و کاظمی است و بعد از آنها به فرزندان‌شان می‌رسد، تأکید می‌کند: «آن زمان ای‌اف‌سی اصرار داشت که باشگاه‌ها و سازمان لیگ خصوصی باشند. ما هم در اردیبهشت ماه ۸۷ شرکت سازمان لیگ را به ثبت رساندیم. سهامدارانش هم در آن زمان اعضای اصلی فدراسیون فوتبال شدند. آقای کفاشیان که رئیس فدراسیون فوتبال بودند، مهدی تاج نایب رئیس اول، بنده نایب رئیس دوم، مهدی محمدنبی دبیرکل و علی کاظمی هم دبیرکل سازمان لیگ بود. همان زمان گفتیم این سهام برای باشگاه‌ها و سازمان لیگ است نه شخص ما. وقتی هم که من می‌خواستم از سازمان لیگ بیرون بیایم، هم ۵ نفر ما فرمی را امضا کردیم و اعلام کردیم که این سهام متعلق به سازمان لیگ است و به صورت شخصی هیچ ادعایی برای آن وجود ندارد.»

محمدی اما از اینکه اعضای جدید هیأت رئیسه برای انتقال سهام اقدامی نکرده‌اند، ناراحت است و می‌گوید: «بعد از تغییرات هیأت رئیسه، متأسفانه اقدامی برای انتقال سهام انجام نشد. من بارها هم درخواست کرده‌ام که برای انتقال سهام اقدامی کنند اما نتیجه‌ای نداشته است. ۱۰ سال است که من دیگر نیستم اما در همین مدت ۴،۵ بار به دلیل بدهی‌های مالیاتی سازمان لیگ تمام حساب‌های من بلوکه شده است و واقعاً درخواست دارم که این سهام را هر چه سریع‌تر انتقال دهند.»

چرا تا کنون انتقال سهام انجام نشده است؟ عزیز محمدی در این رابطه می‌گوید: «باید بدهی‌های مالیاتی سازمان لیگ را به طور کامل تسویه کنند تا امکان انتقال سهام وجود داشته باشد. این اتفاق تقریباً مشابه اتفاقی است که درباره باشگاه‌های پرسپولیس و استقلال در ثبت شرکت‌ها رخ داده بود و اعضای هیأت مدیره دو باشگاه به دلیل بدهی‌های مالیاتی به روز نشده بود. حالا هم سازمان لیگ باید یکبار بدهی مالیاتی‌اش را صفر کند. ضمن اینکه من فکر می‌کنم دلیل دیگری که اقدام به انتقال سهام نشد این بود که آن زمان می‌خواستند اساسنامه سازمان لیگ را اصلاح کنند و طبیعتاً باید اساسنامه جدید به امضای ما می‌رسید. رؤسای جدید هم می‌خواستند ما پای اساسنامه را امضا کنیم که اگر بد شد، بگویند آنها این کار را کرده‌اند.»

لیگ نمی‌شوند و همواره بدهکار به حساب می‌آیند چون وقتی یک مدیر یا مجموعه مدیریتی در سازمان لیگ سهل انگاری می‌کند و بحران مالیاتی ۱۰۰ میلیارد تومانی به وجود می‌آید، این مبلغ در بین تمام باشگاه‌ها تقسیم‌واز حساب آنها کسر می‌شود. وگرنه بایک بررسی ساده می‌توان فهمید که تنها ۵ درصد در آمده‌های فوتبال باشگاهی مربوط به لیگ متعلق به سازمان لیگ فوتبال ایران است.

در زمان مدیریت حیدر بهاروند و پیگیری‌های صورت گرفته توسط او و سایر اعضای هیأت رئیسه، مسئولان اظهارنامه مالیاتی را در زمان مقرر پر کرده‌اند و حتی توانسته‌اند بیش از ۶۰ میلیارد تومان از جرایم مالیاتی را با مذاکرات و پیگیری‌های مداوم از بین ببرند و عملاً جلوی یک فاجعه را گرفته‌اند. عملکرد مالی این تیم مدیریتی نسبت به سالیان گذشته شفافیت بسیار زیادی دارد و در تمامی زمینه‌ها قدم‌های بزرگ و مثبتی برداشته شده است اما سهل‌انگاری مدیران سابق سازمان لیگ در تسویه حساب با اسپانسر ها و عدم پیگیری قوانین مالیاتی، بحران‌های زیادی برای مجموعه به وجود آورد که به آن اشاره شد و دودش به چشم باشگاه‌ها رفت.

ضمن اینکه مسئولان فعلی سازمان لیگ در چند نوبت اقداماتی برای حل مشکل قانونی مربوط به تغییرات ثبت شرکت‌ها انجام داده‌اند اما بحران مالیاتی جلوی به نتیجه رساندن کار را گرفته است. طبق قوانین تازمانی که تکلیف تسویه حساب مالیاتی روشن و بدهی‌به اداره مالیات صفر نشود، مسئولان فوتبال کشور نمی‌توانند تغییرات مربوط به دارندگان حق امضا و مدیرعامل و اعضای هیأت مدیره را در سازمان لیگ اعمال کنند. حتی شاید ندانید که برای خریداری یک خط تلفن این عزیزالله محمدی و علی کفاشیان هستند که باید اقدامات قانونی انجام بدهند. اخیراً هم وقتی مسئولان مجبور شدند در یکی از بانک‌ها حساب باز کنند، با وعده حل مشکلات و انجام روال قانونی در ماه‌های آینده این کار را انجام دادند. در همین رابطه به نظر می‌رسد که بانک مورد نظر هم برای باز کردن حساب اقدامی غیرقانونی انجام داده است که در این رابطه باید شفاف‌سازی صورت بگیرد.

این فاجعه دست‌پخت یک سیستم مدیریتی پراز اشکال و ابهام بوده که حتی درباره فجایع رخ داده شفاف سازی هم برای جامعه فوتبال نداشته است. البته باشگاه‌ها و اعضای مجمع عمومی هم در بحث نظارتی ضعف زیادی داشته‌اند و جایگاه نظارتی خود را نادیده گرفته‌اند. آنها به مدیریت اجازه هر اشتباه و پنهان کاری را در سال‌های اخیر داده‌اند و کمک کرده‌اند تیم مدیریتی کنونی وارث یک تشکیلات پر از ایراد قانونی شوند. حالا با توجه به نگرانی‌هایی که وجود دارد، همه انتظار دارند یک بار برای همیشه جلوی ادامه فجایع گرفته شود.

به هر حال باز هم باید تأکید کرد که به خاطر سهل‌انگاری مدیران سابق سازمان لیگ مالیات‌هایی سنگین برای سازمان لیگ در نظر گرفته شد که پول آن همه از جیب باشگاه‌ها پرداخت خواهد شد. درست است که داستان قراردادهای تبلیغات محیطی در دو فصل گذشته سر و سامان گرفته اما داستان تسویه حساب با چند اسپانسر قبلی هنوز نتیجه مثبتی نداشته است. همچنین یکی از شرکت‌های زیرمجموعه فدراسیون فوتبال برای انجام پروژه‌های اقتصادی و پزشکی به نام «ایفا» با وجود اینکه مدت‌هاست جلوی فعالیتش گرفته شد اما برخلاف وعده‌های ارائه شده هنوز منحل نشده و برای این شرکت هم به خاطر سیستم مالی غیر شفافی که داشت مالیات سنگینی تعیین شده است. ۹۹ درصد سهام این شرکت متعلق به سازمان لیگ و گویا مابقی سهام متعلق به احمد هاشمیان مدیرعامل وقت آن است. این اخبار و آمار و اطلاعات و اسناد مطالبی است که در اختیار روزنامه ایران ورزشی قرار گرفته است و درباره‌اش مطلب نوشتیم. شاید اگر اعضای مجمع فدراسیون و مدیران عامل باشگاه‌ها پیگیری بیشتری انجام بدهند، به حقایق عجیب‌تری برسند.

سهم بعد از فوت هریک از اعضا چه بوده است. سازمان لیگ فوتبال ایران یک ساختمان گرانبقیمت در میدان شیخ بهایی تهران، برندی پولساز و ارزشمند، حساب بانکی پراز پول که گردش مالی بالایی دارد و از همه مهم تر اموال زیادی دارد. پس وارثان هیأت مؤسس بدون در نظر گرفتن شرایط فوتبال در صورت فوت آنها می‌توانند ۲۰ درصد کل تشکیلات را برای خودشان بردارند. ۲۰ درصد اموال و پول و برندی که صفر تا صد آن متعلق به فوتبال ایران و باشگاه‌ها بوده است.

با توجه به جزئیات ارائه شده، مأموریت جامعه فوتبال ایران و نهادهای نظارتی و خود اعضای هیأت مؤسس باید این باشد که هر چه سریعتر نسبت به تعیین و تکلیف انتقال سهام اعضای هیأت مؤسس سازمان لیگ، اقدامات قانونی را انجام بدهند. از آنجایی که با سرمایه باشگاه‌های فوتبال این اتفاق رخ داده تمام اقدامات هم باید با نظر مشورتی و مستقیم باشگاه‌ها انجام شود. در غیر این صورت هر گونه تعلل می‌تواند در آینده فاجعه برای فوتبال ایران به همراه داشته باشد. به هر صورت نباید فراموش کرد که هیچ کدام از اعضای هیأت مؤسس نمی‌توانند بگویند موضوع انتقال سهام را به صورت رسمی انجام داده‌اند. حسابرس مستقل فدراسیون فوتبال در صورت‌های مالی سال ۹۳ اصلاح و انتقال سهم شرکا را الزامی دانسته و مجمع عمومی هم به مسئولان فدراسیون و سازمان لیگ برای انجام اصلاحات فرصت داد که امروز که به سال ۱۳۹۹ رسیده‌ایم رخ نداده است.

طبق قانون تجارت و ثبت شرکت‌ها از زمانی که عزیزالله محمدی از سازمان لیگ جدا شد و هیأت مدیره سازمان لیگ تغییر کرد تا به امروز، تمام مدیرانی که در این مؤسسه به عنوان مدیرعامل یا عضو هیأت مدیره و دارنده حق امضا فعالیت کرده‌اند تحلف قانونی انجام داده‌اند. یعنی غلامرضا بهروان، مهدی تاج و حیدر بهاروند که بعد از عزیزمحمدی اداره سازمان لیگ را بر عهده گرفتند هیچ کدام امضایشان قانونی نبود؛ منتهی با کمک مجمع و بی توجهی تمام باشگاه‌ها و مصلحت اندیشی‌هایی که وجود داشت کارشان را انجام دادند. این در حالی است که در این سال‌ها قرارداد های تجاری بزرگی در سازمان لیگ به امضا رسیده که اکثر آنها با شکستی بزرگ و مقضضانه همراه بود. بسیاری از این قراردادها با خسارت سنگین چنده میلیارد تومانی به اسپانسر ها ختم شد و در حوزه تبلیغات محیطی اکثر قراردادها بدون تسویه حساب کامل به دادگاه کشیده شده است. گردش مالی داخلی سازمان لیگ هم برای حقوق پرسنل و مأموریت ها و برگزاری مراسم سنگین بوده و هیچ شفاف سازی مالی هم در این سال‌ها شاهد نبوده‌ایم. بحران بعدی مربوط به سازمان لیگ به داستان بدهی مالیاتی سنگین ارتباط مستقیم دارد. پرونده‌ای که در سال‌های اخیر به یکی از بزرگ‌ترین بحران‌های فوتبال کشور تبدیل شده است. مسئولان سازمان لیگ در ابتدای دهه ۱۰۹۰ اظهارنامه مالیاتی پرنکرده‌اند و اداره مالیات هم به همین دلیل مالیات مجموعه را به صورت علی‌الرأس حساب کرده که الان باعث شده رقم آن به عددی حدود ۷۰ میلیارد تومان برسد. این در حالی است که چندین بار هم در سال‌های اخیر حساب‌ها مسدود شده و پول‌های قابل توجه چندین میلیاردی توسط اداره مالیات از حساب سازمان لیگ کسر شد.

اطلاعات به دست آمده از منابع خبری در سازمان لیگ به خوبی نشان می‌دهد که در سالیان گذشته رقمی حدود ۲۰ تا ۲۵ میلیارد تومان به عنوان مالیات ارزش افزوده از حساب این مجموعه کسر شده است. باز هم باید تأکید کرد که اگر اظهارنامه مالیاتی در زمان قانونی به اداره مالیات ارائه می‌شد فوتبال هیچ‌وقت متوجه این ضررهای هنگفت نمی‌شد. عمق فاجعه اینجا است که همین پول‌های سنگین هم از حساب و درآمدهای باشگاه‌ها پرداخت می‌شود و به همین دلیل است که هیچ کدام از باشگاه‌ها هیچ‌وقت متوجه امور مالی سازمان

چون در همان مقطع اعضای هیأت مؤسس می‌توانستند به صورت رسمی تمام سهام سازمان لیگ را با یک صورتجلسه رسمی به باشگاه‌ها و یا فدراسیون فوتبال با انجام کارهای قانونی ارائه بدهند. به هر حال همه می‌دانیم که تمام دارایی‌های مربوط به لیگ فوتبال ایران متعلق به باشگاه‌ها است. منتهی اسناد و مدارک رسمی نشان می‌دهد که در زمان تأسیس مدیران ارشد فوتبال کشور، سازمان لیگ را با استفاده از سرمایه و برند باشگاه‌ها و فوتبال ایران به عنوان شرکتی خصوصی و با سهامدار خصوصی به ثبت رسانده‌اند.

اطلاعات رسمی و قابل توجهی وجود دارد که نشان می‌دهد تمام اعضای هیأت مؤسس در همان مقطع نامه‌ای برای واگذاری سهام خود به فدراسیون ارائه دادند اما این نامه در هیچ دفتر خانه‌ای به ثبت نرسیده و به همین ترتیب اعتبار قانونی ندارد. در واقع آن چیزی که از نظر قانونی در هردادگاه و محکمه‌ای ملاک قرار می‌گیرد اسناد ارائه شده به ثبت شرکت‌ها و اساسنامه نوشته شده برای سازمان لیگ فوتبال ایران است. گفتنی است که همین هم با نظر و فشار نهادهای نظارتی اتفاق افتاد اما باز هم باعث نشد که تکلیف ابهامات به وجود آمده روشن شود. ماجرای سهم شخصی هیأت مؤسس ۵ نفره سازمان لیگ ابهامات دیگر هم دارد که به دلیل اهمیت بسیار زیادش، باید هر چه سریعتر نسبت به رسیدگی قانونی نسبت به آن شاهد اقدامات اساسی توسط اعضای هیأت مؤسس، فدراسیون فوتبال، سازمان لیگ، باشگاه‌ها و وزارت ورزش و حتی نهادهای نظارتی باشیم. در این شرایط قطعاً شما هم مثل ما سخت می‌توانید باور کنید که اساسنامه سازمان لیگ این اجازه را می‌دهد که اعضای هیأت مؤسس تمام یا قسمتی از اختیارات و همچنین حق امضای خود را به هریک از شرکا برای هر مدت که صلاح بدانند تفویض کنند. همچنین در ماده ۱۲۱ اساسنامه درباره سهم شرکا از سود مالی سازمان لیگ آمده است: «از درآمد مؤسسه در پایان هر سال مالی، هزینه اداری، حقوق کارمندان و مدیران، هزینه استهلاک، مالیات و سایر عوارض دولتی کم و پس از وضع صدی ده بابت ذخیره قانونی بقیه که سود ویژه است به نسبت سهم الشرکه بین شرکا تقسیم خواهد شد»

درباره این قانون و توافق قبل از هر چیزی باید اسناد مالی مورد بررسی قرار بگیرد که از سود سازمان لیگ پرداختی به اعضای هیأت مؤسس وجود داشته است یا خیر. البته بررسی‌های روزنامه ایران ورزشی نشان می‌دهد که این اتفاق تاکنون رخ نداده و شرکا و صاحبان قانونی تشکیلات از این بند قانونی هیچ‌وقت برای درآمدزایی مالی استفاده نکرده‌اند و به دنبالش هم نبوده‌اند.

اوج ابهام که شاید بسیاری از باشگاه‌ها و جامعه فوتبال درباره جزئیات آن خبری نداشته باشند، مربوط به ماده ۲۲ است که می‌گوید: «فوت یا محجوریت هریک از شرکا باعث انحلال مؤسسه نخواهد شد و وارث شریک متوفی و یا ولی محجور می‌توانند به مشارکت خود ادامه دهند. در غیر این صورت بایستی سهم الشرکه خود را پس از انجام تشریفات قانونی دریافت و بیا به شریک دیگری منتقل و از مؤسسه خارج شوند»

با این پرونده قبل از هر چیزی باید مشخص شود که اصلاً مدیران فوتبال کشور چرا در آن مقطع قانون را به این شکل نوشتند و هدفشان چه بود. طبق این قانون اگر خدای ناکرده اتفاق ناگواری برای علی کفاشیان، عزیزالله محمدی، مهدی محمدنبی، مهدی تاج و علی کاظمی به عنوان ۵ عضو هیأت مؤسس سازمان لیگ رخ بدهد، وارثان آنها می‌توانند بدون هیچ مشکلی با کمک گرفتن از بند و تبصره‌های قانونی و تنها با استخدام یک وکیل، بدون هیچ مشکلی سهم خود را دریافت کنند یا سهامدار جدید تلقی شوند. به هر صورت هیچ معیار و توضیح قانع کننده و شفافی درباره این ماده و بند‌های قانونی در سال‌های اخیر به جامعه فوتبال داده نشده است و معلوم نیست هدف از این تقسیم‌بندی و در نظر گرفتن سرنوشت

اشتباه بسیار بدی بود

محمد صادق درودگر- عضو هیأت رئیسه سازمان لیگ

اعضای هیأت رئیسه کنونی سازمان لیگ فوتبال ایران از همان ابتدا سعی کردند در تمامی زمینه‌ها بر مبنای قانون و با شفافیت عمل کنند تا حداقل اگر مشکلی به وجود می‌آید جای دفاع از خودمان داشته باشیم. تغییر سیستم درآمذزایی از تبلیغات محیطی و ساماندهی قرارداد های اسپانسرینگ امضا شده بخشی از این اقدامات بسیار مهم بود که وضعیت عملکرد مالی و مباحث تجاری را اهالی فوتبال می‌توانند نسبت به گذ شته مقایسه کنند. درباره ماجرای سهام سازمان لیگ اما اقدامات قانونی برای انتقال را خواستیم انجام بدهیم که قوانین سفت و سخت ثبت شرکت‌ها جلوی آن را گرفت. سهام به نام همان عزیزانی که در زمان تأسیس نامشان در ثبت رسمی آمده موجود است و متأسفانه انتقال صورت نگرفته و این می‌تواند برای فوتبال کشور مشکل ساز شود. البته پرونده عجیب مالیاتی که سازمان لیگ و فوتبال ایران را تا مدت‌ها گرفتار کرد نقش زیادی در این بلا تکلیفی داشت. به نظر من هم مدیران محترم فدراسیون در آن زمان سهل انگاری کردند که سهام سازمان لیگ را به این شکل تقسیم کردند. حتی اگر بگوییم که قوانین دست و پا گیر بود، اینکه در اساسنامه سازمان لیگ ثبت کرده‌اند در صورت فوت سهام به ورثه تعلق می‌گیرد واقعاً اشتباه بسیار بدی بود که هر چه سریعتر باید با حل پرونده مالیاتی نسبت به اصلاح آن اقدامات قانونی انجام شود چون این سهام در اصل باید متعلق به فدراسیون و باشگاه‌ها باشد.

این مشکل می‌تواند به فاجعه تاریخی بینجامد

محمود شعبی- عضو هیأت رئیسه فدراسیون فوتبال

در سال‌های اخیر شخص بنده پیگیری‌های زیادی برای حل و فصل این موضوع انجام دادم و همیشه هم داستان سهام سازمان لیگ مورد بحث بوده است که متأسفانه نتیجه نداد. از سال ۹۴ قرار گذاشته شده بود که سهامداران (شرکا) سازمان لیگ اختیارات قانونی خود را مندرج در اساسنامه فعلی در رابطه با انتخاب مدیرعامل و اعضای حقوقی به نفرات جدید واگذار کنند. در گذشته عزیزالله محمدی و اعضای سابق مدیرعامل و سهامدار بودند و باید اختیار خود را واگذار می‌کردند. پس از آنکه گروه سابق اختیارات خود را به نفرات جدید واگذار کرد باید سهام شرکت از افراد حقیقی به مؤسسه حقوقی واگذار می‌شد که این اتفاقات قانونی رخ نداده است. سال‌ها قبل حسابرس فدراسیون هم انتقال سهام شرکا را در گزارش خود به مجمع الزامی دانسته بود و در مجمع تأکید شد که این کار‌ها باید انجام شود که متأسفانه بحث مالیاتی و عدم پر کردن اظهارنامه و جرایم و بدهی‌های سنگین مالیاتی که برای سازمان لیگ تعیین شد جلوی به نتیجه رسیدن این اصلاحات را گرفت و کار را به اینجا رساند. به هر صورت یک بحث قانون است و باید این مشکل حل شود چون اگر خدای ناکرده اگر برای هر کدام از این عزیزان با اتفاقی رخ بدهد، آن وقت این وضعیت قانونی و اسناد و مدارکی که وجود دارد می‌تواند زمینه سازیک فاجعه تاریخی شود. الان طبق قانون ۵ نفر سهامدار سازمان لیگ هستند و در اساسنامه هم پیش بینی شده که سهم به ورثه آنها برسد.